

رابطه ابعاد کمال‌گرایی با خلاقیت در دانش‌آموزان دبیرستانی مدارس استعداد‌های درخشان

سمیه سادات ساداتی^۱

دکتر احمد به پژوه^۲

دکتر غلامعلی افروز^۳

قوام ملتفت^۴

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی رابطه ابعاد کمال‌گرایی با خلاقیت در دانش‌آموزان پایه سوم دبیرستانی شاغل به تحصیل در مدارس استعداد‌های درخشان شهر شیراز است. در پژوهش حاضر، ۲۰۳ دانش‌آموز دبیرستانی (۱۰۰ دانش‌آموز دختر و ۱۰۳ دانش‌آموز پسر) شرکت داشتند. داده‌های پژوهش از طریق مقیاس کمال‌گرایی تری - شورت و همکاران (۱۹۹۵) و آزمون خلاقیت عابدی (۲۰۰۲) جمع‌آوری گردید و سپس از طریق روش آماری تحلیل رگرسیون چندمتغیره و تحلیل واریانس چندمتغیره مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که: الف- رابطه معناداری بین ابعاد کمال‌گرایی با خلاقیت وجود دارد. به دین صورت که ابعاد کمال‌گرایی ۲۰ درصد از واریانس خلاقیت را تبیین می‌کند، به طوری که از این میان کمال‌گرایی مثبت به صورت مثبت، و کمال‌گرایی منفی به صورت منفی، با خلاقیت رابطه دارد. ب- دختران نمره‌های بالاتری در متغیرهای خلاقیت و کمال‌گرایی منفی کسب کردند، در حالی که پسران نمره‌های بالاتری در کمال‌گرایی مثبت به دست آوردند.

کلید واژه‌ها: خلاقیت، کمال‌گرایی مثبت و منفی، دانش‌آموزان، استعداد‌های درخشان.

۱- دانشجوی دکتری روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه تهران

۲- دانشیار روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه تهران

۳- استاد روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه تهران

۴- دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه شیراز

مقدمه

یکی از موضوعاتی که امروزه مورد توجه متخصصان تعلیم و تربیت، به‌ویژه متخصصان آموزش و پرورش ویژه قرار گرفته، بررسی ویژگی‌های شخصیتی دانش‌آموزان تیزهوش در مورد خلاقیت است. خلاقیت یکی از مفاهیم پیچیده مربوط به انسان است که ارایه تعریف روشن، بدون ابهام، دقیق و مورد پذیرش بیشتر روان‌شناسان و متخصصان تعلیم و تربیت از آن مشکل است. به لحاظ لغوی در زبان انگلیسی، ریشه واژه خلاقیت، کلمه لاتین create است که در فرهنگ‌های واژگان به‌گونه‌های متفاوتی تعریف شده است. در فرهنگ روان‌شناسی رشد و تربیتی (هره و لم^۱، ۱۹۸۶) خلاقیت به معنای توانایی یا ظرفیت ایجاد، ابداع و تولید ایده‌ها و اختراع‌های نو است که از نظر اجتماعی، معنوی، هنری و علمی ارزشمند باشد.

بیشتر روان‌شناسان در این مطلب توافق دارند که خلاقیت به دستاوردهای نوین ارزشمند^۲ اشاره دارد (ویسبرگ^۳، ۱۹۹۲). آیزنک^۴ (۲۰۰۰) معتقد است خلاقیت، فرایندی روانی است که منجر به حل مسئله، ایده‌سازی، مفهوم‌سازی، ساختن اشکال هنری، نظریه‌پردازی و تولیداتی می‌شود که بدیع و یکتا باشند. هم‌چنین آمابیل^۵ (۱۹۸۹)، به نقل از قاسم‌زاده و عظیمی، (۱۳۷۷) عمل خلاق را عملی می‌داند که دارای دو ضابطه تازگی^۶ و مناسبت^۷ باشد. به اعتقاد افروز (۱۳۸۶) بر این باور است که خلاقیت به معنای خاص آن، به‌مثابه برترین ویژگی ذهنی انسان مولد و متفکر، خود، نشانی است از رشد متعادل و متعالی شخصیت و پاسخی است به نیاز همیشه انسان به شکافتن بن‌بست‌ها و راه یافتن به فراترها. او معتقد است که فرد خلاق کسی است که فکری نو و متفاوت ارائه دهد.

1- Harre, R. & Lamb, R.
2- Novel Products of Value
3- Wiesberg, R.
4- Eysenck, M.W.
5- Amabile, T.M.
6- Novelty
7- Relevance

گیلفورد^۱ (۱۹۷۵) در مدل ساختار هوشی خود خلاقیت را متشکل از هشت عنصر اساسی حساسیت مسئله، سیالی، ایده‌های نوین، انعطاف‌پذیری، هم‌نهادی، تحلیل‌گری، پیچیدگی و ارزشیابی می‌داند. گاه نیز او از چهار عنصر نام می‌برد که عبارتند از:

۱- سیالی^۲، یعنی قدرت تولید ایده‌ها و جواب‌های فراوان در یک حیطه،
 ۲- انعطاف‌پذیری^۳، یعنی توانایی لازم برای تغییر جهت فکری یا توانایی تولید جواب‌های متنوع،

۳- بسط^۴، یعنی توجه به جزئیات وابسته به یک ایده،

۴- ابتکار^۵، یعنی توانایی تولید محصولی نو و بدیع،

تورنس و گاف^۶ (۱۹۸۹) و تورنس (۱۹۸۹) نیز چهار عامل سیالی، انعطاف‌پذیری، بسط و ابتکار را برای خلاقیت برمی‌شمارند.

تحول علوم در زمینه‌های گوناگون، شتاب روزافزون تحولات، گسترش اطلاعات و ارتباطات، ضرورت پرورش نیروی انسانی کارآمد و خلاق را که بتواند همپای این تحولات حرکت نماید، صدچندان کرده است. از این رو، شناخت و تعلیم و تربیت افراد سرآمد و خلاق، بدین دلیل است که این قبیل افراد بتوانند بار مهمی از وظایف و مسئولیت‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی جامعه را بر دوش بکشند. شایان ذکر است که در دنیای پیچیده امروز که شاهد رقابت‌های بسیار فشرده جوامع مختلف در دستیابی به جدیدترین تکنولوژی و منابع قدرت هستیم، افراد تیزهوش و خلاق و صاحبان اندیشه نو و تفکر واگرا به مثابه گرانبهاترین سرمایه‌ها، از جایگاه بسیار والا و ارزشمندی برخوردار هستند.

اینک جامعه ما بیش از هر زمان دیگر به افراد هوشمند و خلاق نیاز دارد. هر قدر جهانی که در آن زندگی می‌کنیم پیچیده‌تر می‌شود، نیاز به شناسایی و پرورش ذهن‌های خلاق و آفریننده بیشتر می‌گردد و به همین دلیل در شرایط کنونی مسئله تیزهوشی و خلاقیت از مهم‌ترین مسائل در قلمرو روان‌شناسی محسوب می‌شود. کودکان

1- Guilford, J.P.

2- Fluency

3- Flexibility

4- Elaboration

5- Originality

6- Torrance, E. & Goff, K.

تیزهوش و با استعداد کسانی هستند که توانمندی‌های قابل توجهی در کنش‌های هوشی خود نشان می‌دهند. این‌گونه کودکان به‌طور بالفعل و یا بالقوه در یک یا چند زمینه زیر از خود برجستگی نشان می‌دهند: ۱- توانایی در هوش عمومی، ۲- استعداد خاص تحصیلی، ۳- تفکر خلاق یا مولد، ۴- توانایی رهبری، ۵- هنرهای تجسمی و نمایشی، ۶- توانایی روانی - حرکتی (افروز، ۱۳۸۶).

بنابراین با توجه به نقش و اهمیت خلاقیت در زندگی کودکان و نوجوانان تیزهوش، شناسایی ویژگی‌های شخصیتی (مانند کمال‌گرایی)، شناختی، عاطفی و انگیزشی این گروه از افراد برای پرورش و ارتقای افکار خلاقانه، ضروری به نظر می‌رسد.

سازۀ کمال‌گرایی در گذشته مورد توجه نظریه‌پردازان بزرگی همچون فروید، آدلر و مازلو بوده است (نگاه کنید به نوردبی و هال، ۱۹۷۴، ترجمۀ به‌پژوه و دولتی، ۱۳۸۶) و در دهه‌های اخیر نیز مورد اقبال پژوهشگران بسیاری قرار گرفته است و هرکدام به فراخور دیدگاه خود تعریف متفاوتی از آن ارائه داده‌اند. با این حال اکثر پژوهشگران، برای امر که معیارهای بلند مرتبه برای عملکرد، مفهوم محوری کمال‌گرایی است، توافق دارند.

هورنای^۱ (۱۹۵۰)، کمال‌گرایی را شیوه‌ای از زندگی می‌داند که افراد برای رهایی از اضطراب اساسی آن را به کار می‌بندند و کمال‌گرایی را گرایش روان‌رنجورانه به بی‌عیب و نقص بودن، کوچک‌ترین اشتباه خود را گناهی نابخشدنی پنداشتن و مضطربانه انتظار پیامدهای شوم داشتن، تعریف می‌کند. هالندر^۲ (۱۹۷۸) بر این باور است که کمال‌گرایی نشان‌دهندۀ گرایش و علاقه فرد به درک محیط پیرامون خود به‌گونه‌ای قانون همه یا هیچ^۳ است که به موجب آن، نتایج به شکل موفقیت‌ها یا شکست‌ها حاصل می‌شوند. گرچه مفهوم کمال‌گرایی به‌طور گسترده‌ای توجه روان‌شناسان را به خود جلب کرده است، اما هنوز به‌عنوان پدیده‌ای تقریباً ناشناخته و ناسازگار تعریف شده است. سازۀ کمال‌گرایی می‌تواند به صورت‌های به‌هنجار و نابه‌هنجار (هماچک^۴، ۱۹۷۸) و مثبت و منفی (فروست^۵ و همکاران، ۱۹۹۰؛ تری - شورت^۶ و همکاران، ۱۹۹۵؛ فلت و هویت^۷، ۲۰۰۲،

1- Horney, K.

2- Hollender, M.H.

3- All- or- none

4- Hamachek, D.E.

5- Frost, R.O.

6- Terry- Short, L.E.

7- Flett, G.L. & Hewitt, P.L.

۲۰۰۵، ۲۰۰۶؛ هاس و پراپاویس^۱، ۲۰۰۳) یا روان رنجورانه^۲ (هماچک، ۱۹۷۸) و کژکنش^۳ (فروست و همکاران، ۱۹۹۰) باشد.

هماچک (۱۹۷۸)؛ فلت و هویت (۲۰۰۲، ۲۰۰۵، ۲۰۰۶)؛ تری - شورت و همکاران (۱۹۹۵) و هاس و پراپاویس (۲۰۰۳) کمال‌گرایی را برحسب مولفه‌های مثبت (به‌هنجار) و منفی (نابه‌هنجار) تعریف می‌کنند که این مؤلفه‌ها به ترتیب با انتظارهای شخصی منطقی و غیرمنطقی مشخص می‌شوند. کسانی که کمال‌گرایی مثبت (به‌هنجار) دارند، معیارهایی را برای خود در نظر می‌گیرند، اما به جای این‌که رسیدن و یا نرسیدن به آن معیارها برایشان مهم باشد، نفس تلاش کردن برای رسیدن به هدف در نظرشان اهمیت دارد. در واقع این افراد از کار و تلاش زیاد لذت می‌برند و وقتی در انجام دادن یا ندادن کاری آزادند، سعی می‌کنند آن را به بهترین نحوی که می‌توانند انجام دهند. کمال‌گرایی مثبت (به‌هنجار) نه تنها موجب مشکلی نمی‌شود، بلکه باعث می‌شود که فرد استعدادهای خویش را شکوفا سازد و به احساس رضایت شخصی بالایی دست یابد.

در مقابل، افراد کمال‌گرای منفی (نابه‌هنجار) یا روان‌رنجور، بیشتر در فکر آنند که مبادا اشتباهی از آن‌ها سر بزند؛ آن‌ها هیچ وقت احساس پیروزی نمی‌کنند. کسانی که کمال‌گرایی منفی دارند، حتی اگر از دیگران بهتر کار می‌کنند، بازهم احساس رضایت نمی‌کنند، آن‌ها خود را سرزنش می‌کنند، هدف بالاتری را در نظر می‌گیرند و مدام در این زنجیره بی‌انتهای گیر می‌کنند، همیشه با خودشان درگیرند و در نتیجه دچار انواع افسردگی و روان رنجورخویی می‌شوند.

تاکنون پژوهش‌های متعددی در مورد عوامل تأثیرگذار بر خلاقیت، انجام شده و عوامل مؤثر و بازدارنده در رشد و پرورش خلاقیت همواره مدنظر متخصصان علوم رفتاری بوده است (تورنس و گاف، ۱۹۸۹ و کراپلی^۴، ۱۹۶۷). به‌نظر بعضی از صاحب‌نظران، به‌طور کلی مجموعه‌ای از عوامل شناختی (مانند هوش و استعداد)، متغیرهای محیطی (مانند عوامل سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی) و متغیرهای شخصیتی (مانند انگیزه درونی، ویژگی‌های خودرهبی یا دیگررهبی) و متغیر جنسیت

1- Haase, A.M. & Prapavessis, H.

2- Neurotic

3- Dysfunctional

4- Cropley, A.

بر خلاقیت مؤثر است (آیزنک، ۲۰۰۰)، ولی تاکنون تحقیقی در زمینه بررسی رابطه سازه کمال‌گرایی با خلاقیت انجام نشده است. لذا در این بخش به برخی از تحقیقات مربوط به ویژگی شخصیتی افراد کمال‌گرا و خلاق اشاره می‌شود (ساداتی، ۱۳۸۷).

رودل^۱ (۱۹۸۴) در پژوهش خود به جنبه‌های مثبت و منفی کمال‌گرایی اشاره کرده که از نظر او، "توجه موشکافانه به جزئیات و تعهد"، دو مؤلفه اصلی کمال‌گرایی مثبت قلمداد می‌شود. وجود این دو مؤلفه، در افراد کمال‌گرای مثبت، موجب شکوفایی توانایی‌ها و ارتقای افکار خلاقانه در آن‌ها می‌گردد. از دیگر سو، برولین^۲ (۱۹۹۲) در مطالعه خود صفاتی همچون انگیزش قوی و درونی، کنجکاوای هوشمندانه، استقلال فکری و عملی، تمایل برای خودشکوفایی، وجود افکار هنری و زیبا، دارا بودن قدرتی خوب برای درک جزئیات و امور اطراف خود، خوداطمینانی و حساسیت را برای افراد خلاق ذکر می‌کند. از این رو، ملاحظه می‌شود که بر حسب پژوهش‌های رودل (۱۹۸۴) و برولین (۱۹۹۲)، افراد کمال‌گرای مثبت و خلاق، دارای ویژگی‌های شخصیتی مشابه و یکسانی هستند.

کاستا و مک کری^۳ (۱۹۹۲) با استفاده از روش تحلیل عوامل بر روی ساختار شخصیت، پنج عامل اصلی را برای شخصیت افراد مشخص کرده‌اند که عبارتند از: روان رنجورگرایی^۴، آزاداندیشی^۵، برون‌گرایی^۶، همسازی^۷ و وظیفه‌شناسی^۸. از این رو، استامپف و پارکر^۹ (۲۰۰۰) براساس ساختار شخصیت پنج‌عاملی کاستا و مک کری (۱۹۹۲)، نشان دادند که روان‌رنجورگرایی با نگرانی بیش از حد نسبت به اشتباه و شک درباره اعمال با کمال‌گرایی منفی همبستگی مثبت وجود دارد، به طوری که می‌توان بیان کرد افراد روان‌رنجورگرا به دلیل داشتن این ویژگی‌های شخصیتی قادر به انجام تکالیف و کارهای خلاقانه نیستند. هم‌چنین استامپف و پارکر (۲۰۰۰) نشان دادند که بین آزاداندیشی، وظیفه‌شناسی، مسئول و متعهد بودن و داشتن نظم و ترتیب با کمال‌گرایی

1- Roedell, W.C.

2- Brolin, C.

3- Costa, P.T. & McCrae, R.R.

4- Neuroticism

5- Openness

6- Extraversion

7- Agreeableness

8- Conscientiousness

9- Stampf, H. & Parker, W.D.

مثبت همبستگی مثبت وجود دارد، به طوری که می‌توان بیان کرد افراد آزاداندیش و وظیفه‌شناس، به دلیل داشتن این ویژگی‌های شخصیتی، از خلاقیت بالا و قدرت خوبی برای درک عواطف و هیجانات برخوردارند.

میرزا کسفیدی (۱۳۸۴) در پژوهش خود با عنوان «بررسی ابعاد کمال‌گرایی و صفات شخصیتی» به این نتیجه رسید که بین کمال‌گرایی مثبت و بُعد آزاداندیشی، هم‌چنین بین کمال‌گرایی منفی و بُعد روان‌رنجورگرایی، همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. از این رو، می‌توان بیان کرد که افراد دارای ویژگی آزاداندیشی از خلاقیت بالا و کمال‌گرایی مثبت برخوردار هستند و افراد دارای ویژگی روان‌رنجورگرایی، خلاقیت پایین و کمال‌گرایی منفی دارند.

از موضوعات دیگری که در گستره خلاقیت مورد توجه پژوهشگران واقع شده تفاوت‌های جنسیتی در تفکر خلاقانه است. در این مورد، تحقیقات متعددی انجام گرفته که همگی دارای نتایج متفاوتی هستند. برخی از آن‌ها مؤید وجود تفاوت جنسیتی در خلاقیتند (کیم و میکائیل^۱، ۱۹۹۵) و برخی دیگر چنین تفاوتی را تأیید نکرده‌اند (گونن^۲، ۱۹۹۳). به‌عنوان نمونه کیم و میکائیل (۱۹۹۵) در تحقیقی رابطه میان خلاقیت، عملکرد تحصیلی و جنسیت را در گروهی از دانش‌آموزان دبیرستانی مورد مطالعه قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که دختران، نسبت به پسران، خلاق‌ترند.

گونن (۱۹۹۳) در پژوهشی برای تعیین تأثیر جنسیت و سن بر خلاقیت در کودکان کودکانی به این نتیجه رسید که تفاوت معناداری در نمرات خلاقیت دختران و پسران وجود ندارد.

خلیفا^۳ و همکاران (۱۹۹۶) در بررسی تفاوت‌های جنسیتی میان مردان و زنان دریافتند که از نظر صفات شخصیتی بین زنان و مردان تفاوت معناداری وجود دارد، به طوری که نمره مردان بیشتر از زنان گزارش شده بود، ولی در فعالیت‌های خلاقانه، زنان نمرات بالاتری نسبت به مردان کسب کرده بودند.

1- Kim, J. & Michael, W.B.

2- Gonen, M.

3- Khaleefa, O.

آماییل (۱۹۸۲) پژوهشی را در زمینه میزان خلاقیت هنری کودکان در زمینه کارهای دستی انجام داده که نتایج، بیانگر این است که در کارهای دستی دختران خلاقیت بیشتری نسبت به پسران دارند.

قاسمی و شهرآرای (۱۳۷۷) در پژوهشی که به بررسی رابطه بین تکلم و خلاقیت کودکان پیش دبستانی پرداختند به تفاوت معناداری بین دختران و پسران در خلاقیت دست نیافتند.

حقیقت (۱۳۷۷) نیز در پژوهشی رابطه میان خلاقیت، پیشرفت تحصیلی، طبقه اجتماعی، هوش و جنسیت را در گروهی از دانش آموزان پایه سوم راهنمایی شهر شیراز، مورد بررسی قرار داد. نتایج گزارش شده به این ترتیب بود که دختران در مؤلفه‌های سیالی و بسط، و پسران در مؤلفه‌های ابتکار و انعطاف پذیری برتر بودند، اما در مجموع تفاوت معناداری مشاهده نشد. حقیقت (۱۳۸۲) در پژوهشی دیگر دریافت که دختران خلاقیت بیشتری نسبت به پسران نشان داده‌اند.

از آن جهت که تفکر خلاق، می‌تواند تحت تأثیر ویژگی‌های شخصیتی به‌ویژه کمال‌گرایی قرارگیرد، بررسی رابطه ابعاد کمال‌گرایی و میزان پیش‌بینی‌پذیری خلاقیت، از اهمیت فراوانی برخوردار است، زیرا با روشن شدن این مسئله هم به دانش ما افزوده می‌شود و هم این که می‌توانیم برنامه‌های مدارس را به گونه‌ای طراحی کنیم که زمینه‌های مناسبی برای افزایش خلاقیت فراهم شود. هم‌چنین با توجه به این که پژوهشی در زمینه رابطه کمال‌گرایی با خلاقیت تاکنون صورت نگرفته است، ضرورت انجام پژوهش را در این مورد نمایان می‌سازد. لذا پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه ابعاد کمال‌گرایی با خلاقیت دانش‌آموزان پایه سوم دبیرستانی شاغل به تحصیل در مدارس استعدادهای درخشان به‌گونه‌ای طراحی شده است که به سؤالات زیر پاسخ دهد:

۱- آیا بین ابعاد کمال‌گرایی و خلاقیت در دانش‌آموزان مورد مطالعه رابطه وجود دارد؟

۲- کدام یک از ابعاد کمال‌گرایی سهمی در پیش‌بینی خلاقیت دانش‌آموزان مورد

مطالعه دارد؟

۳- آیا بین میزان خلاقیت دانش‌آموزان مورد مطالعه برحسب جنسیت تفاوت

وجود دارد؟

۴- آیا بین ابعاد کمال‌گرایی دانش‌آموزان مورد مطالعه برحسب جنسیت تفاوت وجود دارد؟

روش پژوهش

جامعه آماری و افراد مورد مطالعه

جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانش‌آموزان پایه سوم دبیرستان شاغل به تحصیل در مدارس استعدادهای درخشان شهر شیراز در سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶ تشکیل می‌داد. پژوهش حاضر در دو دبیرستان شهید دستغیب و فرزندگان شهر شیراز انجام گرفت. دبیرستان پسرانه شهید دستغیب هنگام اجرای پژوهش، در مجموع ۴۱۵ نفر دانش‌آموز و دبیرستان دخترانه فرزندگان ۳۹۰ نفر دانش‌آموز داشت. به علت کم بودن تعداد افراد جامعه، کل دانش‌آموزان پایه سوم دو دبیرستان مورد مطالعه، به‌عنوان گروه نمونه انتخاب شدند. پانزده پرسش‌نامه، به دلیل ناقص بودن از گروه مورد مطالعه حذف شدند و در نتیجه نمونه نهایی ۲۰۳ دانش‌آموز (۱۰۳ پسر و ۱۰۰ دختر) را شامل می‌شد.

ابزار اندازه‌گیری

به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز در این پژوهش، از دو ابزار اندازه‌گیری به شرح زیر استفاده شد:

۱- **آزمون مدادی-کاغذی چندگزینه‌ای اندازه‌گیری خلاقیت عابدی**^۱: این ابزار به کوشش عابدی (۲۰۰۲) به‌منظور اندازه‌گیری میزان خلاقیت تهیه و تنظیم شده است. پرسش‌نامه مذکور، شامل شصت سؤال و نمره‌گذاری آن به صورت مقیاس لیکرتی سه نمره‌ای (خلاقیت کم=۱، متوسط=۲، خلاقیت بالا=۳) است. جمع نمرات در چهار مؤلفه، نمره کل خلاقیت آزمودنی را تشکیل می‌دهد. حداکثر نمره ۱۸۰ و حداقل نمره ۶۰ در نوسان است. این آزمون به ترتیب چهار مؤلفه خلاقیت سیالی (۱۶ ماده اول)، ابتکار (۲۲ ماده دوم)، انعطاف‌پذیری (۱۱ ماده سوم) و بسط (۱۱ ماده آخر) را

1- Multiple-Choice Paper-and-Pencil Test For Measuring Creativity (MPPT)

2- Reliability

اندازه‌گیری می‌کند. عابدی (۱۳۷۲، ۲۰۰۲) اعتبار^{۱*} این آزمون را با استفاده از روش آماری آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار داده است. این محقق، ضرایب به‌دست آمده برای مؤلفه سیالی ۰/۷۵، ابتکار ۰/۶۷، انعطاف‌پذیری ۰/۶۱ و بسط ۰/۶۱ را گزارش کرده است. همچنین وی روایی^{۲*} پرسش‌نامه مذکور را با استفاده از روش تحلیل عاملی تأییدی چهار عامل (سیالی، ابتکار، انعطاف‌پذیری و بسط) تأیید کرده است که برای عامل سیالی بار عاملی ۰/۵۳ تا ۰/۸۳، ابتکار بار عاملی ۰/۴۷ تا ۰/۶۳، انعطاف‌پذیری بار عاملی ۰/۳۸ تا ۰/۶۶ و برای عامل بسط بار عاملی ۰/۴۸ تا ۰/۶۸ گزارش کرده است که این، حاکی از روایی نسبی بالای آزمون است.

حقیقت (۱۳۷۷) نیز اعتبار این آزمون را با استفاده از روش‌های بازآزمایی و آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار داد. طبق گزارش این محقق، ضرایب به‌دست آمده حاکی از اعتبار مطلوب این ابزار است. همچنین وی روایی آزمون را با استفاده از همبستگی بین آزمون خلاقیت عابدی با آزمون خلاقیت تورنس فرم الف (کلامی) را ۰/۷۷ که در سطح $p < 0/01$ معنادار بود، گزارش کرده است این ضریب نیز حاکی از روایی آزمون مذکور است.

در پژوهش حاضر نیز اعتبار این آزمون با استفاده از روش‌های آلفای کرونباخ و تنصیف مورد بررسی قرار گرفت. طبق نتایج، ضرایب به‌دست آمده برای کل آزمون با استفاده از روش آلفای کرونباخ ضریب ۰/۸۲ و برای مؤلفه سیالی ۰/۶۱، ابتکار ۰/۷۱، انعطاف‌پذیری ۰/۶۰ و بسط ۰/۵۲ به‌دست آمد. ضرایب به‌دست آمده برای کل آزمون با استفاده از روش تنصیف ضریب ۰/۸۳، برای مؤلفه سیالی ۰/۶۹، ابتکار ۰/۷۰، انعطاف‌پذیری ۰/۵۷ و بسط ۰/۵۳ به‌دست آمد. همچنین به‌منظور تعیین روایی با استفاده از روش همسانی درونی، ضریب همبستگی خرده آزمون‌ها با نمره کل مورد محاسبه قرار گرفت که ضریب همبستگی خرده آزمون‌های سیالی، ابتکار، انعطاف‌پذیری و بسط با نمره کل به ترتیب ۰/۶۷، ۰/۷۰، ۰/۵۹، ۰/۶۴ به‌دست آمد که این ضریب‌های

* برخی از متخصصان در مقابل این کلمه، «قابلیت اعتماد» را به کار برده‌اند.

همبستگی در سطح $p < 0/001$ معنادار است. این ضرایب حاکی از روایی مقیاس مذکور است.

۲- پرسش‌نامه کمال‌گرایی مثبت و منفی تری- شورت و همکاران: تری-

شورت و همکاران (۱۹۹۵) برای اندازه‌گیری کمال‌گرایی مثبت و منفی ابزاری را تهیه کردند که مشتمل بر چهل گویه است که بیست گویه آن (۲، ۳، ۶، ۹، ۱۴، ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۲۱، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۲، ۳۴، ۳۵، ۳۷، ۴۰) کمال‌گرایی مثبت و ۲۰ گویه آن (۱، ۴، ۵، ۷، ۸، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۷، ۲۰، ۲۲، ۲۶، ۲۷، ۳۱، ۳۳، ۳۶، ۳۸، ۳۹) کمال‌گرایی منفی را ارزیابی می‌کند. گویه‌ها در مقیاس پنج درجه‌ای لیکرتی، کمال‌گرایی آزمودنی‌ها را از نمره یک تا پنج در دو زمینه مثبت و منفی می‌سنجد. حداقل نمره آزمودنی‌ها در هر یک از مقیاس‌های آزمون ۴۰ و حداکثر آن ۲۰۰ خواهد بود. این پرسش‌نامه توسط محقق به فارسی ترجمه شده و با فرم اصلی آن مطابقت کامل داده شد.

بشارت (۱۳۸۲) برای تعیین اعتبار و روایی این مقیاس به ترتیب از روش آلفای کرونباخ و ضریب همبستگی بین زیرمقیاس‌های این آزمون با زیرمقیاس‌های پرسش‌نامه سلامت عمومی گلد برگ^۱ (۱۹۷۲) و مقیاس عزت نفس کوپر اسمیت^۲ (۱۹۶۷) و با روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی آزمون استفاده کرده است. طبق گزارش این محقق، ضرایب و نتایج به‌دست آمده، اعتبار و روایی مقیاس پرسش‌نامه کمال‌گرایی مثبت و منفی تری- شورت و همکاران (۱۹۹۵) را تأیید می‌کنند. در پژوهش حاضر برای تعیین اعتبار و روایی این مقیاس در یک نمونه ۲۰۳ نفری از دانش‌آموزان مدارس استعدادهای درخشان شهر شیراز به ترتیب از روش آلفای کرونباخ و روش تحلیل گویه‌ها استفاده شد. ضرایب و نتایج به‌دست آمده در پژوهش حاضر، اعتبار و روایی مقیاس پرسش‌نامه کمال‌گرایی مثبت و منفی تری- شورت و همکاران (۱۹۹۵) را تأیید می‌کنند.

1- Goldberg, D.P.

2- Coopersmith, S.

نتایج

نتایج تحقیق حاضر در دو بخش، گزارش می‌شود: در بخش اول، در مورد سؤال اول پژوهش، ماتریس همبستگی به همراه شاخص آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) متغیرها برای کل گروه مورد پژوهش گزارش شده و در بخش دوم، در مورد سؤال‌های دوم، سوم و چهارم پژوهش، نتایج شاخص آمار استنباطی (رگرسیون چندگانه و تحلیل واریانس چند متغیره) آمده است.

بخش اول: آمار توصیفی و ماتریس همبستگی متغیرها

سؤال ۱- آیا بین ابعاد کمال‌گرایی و خلاقیت در دانش‌آموزان مورد مطالعه رابطه وجود دارد؟

به‌منظور پاسخ به این سؤال، از ماتریس همبستگی به همراه آمار توصیفی متغیرها برای کل گروه مورد پژوهش استفاده شده که در جدول ۱ منعکس شده است.

جدول ۱: ماتریس همبستگی ابعاد کمال‌گرایی و خلاقیت

متغیرها	متغیرها	۱	۲	۳
۱- خلاقیت	-			
۲- کمال‌گرایی مثبت	*۰/۳۲			
۳- کمال‌گرایی منفی	*-۰/۲۳	*-۰/۲۰		
انحراف معیار	۱۴۴/۶۹	۸۲/۱۷	۶۲/۲۰	
میانگین	۱۵/۱۸	۱۰/۱۳	۱۰/۸۰	

$$*P < 0/01$$

همان‌گونه که نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد، بین ابعاد متغیر پیش‌بین پژوهش (کمال‌گرایی) با خلاقیت، رابطه معناداری وجود دارد، به این صورت که خلاقیت با کمال‌گرایی منفی ($r = -0/23$) به صورت منفی و با کمال‌گرایی مثبت ($r = 0/32$) به صورت مثبت در سطح $p < 0/01$ معنادار است. هم‌چنین نتایج جدول مذکور نشان می‌دهد که کمال‌گرایی منفی با کمال‌گرایی مثبت ($r = -0/20$) به صورت منفی در سطح $p < 0/01$ معنادار است.

بخش دوم: آمار استنباطی

سؤال ۲- کدامیک از ابعاد کمال‌گرایی سهمی در پیش‌بینی خلاقیت دانش‌آموزان مورد مطالعه دارد؟

به‌منظور پاسخ به این سؤال، از رگرسیون چندگانه (به شیوه هم‌زمان) استفاده شده که نتایج آن در جدول ۲ گزارش شده است.

جدول ۲: تحلیل رگرسیون چندگانه ابعاد کمال‌گرایی و خلاقیت

خلاقیت				متغیر ملاک	
P	B	B	R ²	R	متغیرهای پیش‌بین
۰/۰۰۰۱	۰/۳۹	۰/۵۸	۰/۲۰	۰/۴۴	کمال‌گرایی مثبت
۰/۰۰۰۱	-۰/۴۳	-۰/۳۱			کمال‌گرایی منفی

همان‌گونه که جدول ۲ نشان می‌دهد، ۲۰ درصد از واریانس خلاقیت توسط ابعاد کمال‌گرایی در کل گروه مورد پژوهش تبیین می‌شود. در بین این ابعاد، کمال‌گرایی مثبت با بتای ۰/۳۹ به صورت مثبت و کمال‌گرایی منفی با بتای -۰/۴۳ به صورت منفی سهم معناداری در پیش‌بینی خلاقیت در کل گروه مورد پژوهش دارند. سؤال ۳- آیا بین میزان خلاقیت دانش‌آموزان مورد مطالعه بر حسب جنسیت تفاوت وجود دارد؟

به‌منظور پاسخ به این سؤال، از شاخص آمار توصیفی، یعنی میانگین و انحراف معیار و آزمون تی برای دوگروه مستقل استفاده شده که در جدول ۳ گزارش شده است.

جدول ۳: میانگین و انحراف معیار افراد مورد مطالعه در خلاقیت بر حسب جنسیت

شاخص آماری	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار	مقدار t	df	sig
پسران	۱۰۳	۱۴۱/۴۹	۱۴/۶۸	۱/۴۵	-۳/۱	۲۰۱	۰/۰۰۲
دختران	۱۰۰	۱۴۸	۱۵/۰۶	۱/۵۱			

همان‌گونه که در جدول ۳ ملاحظه می‌شود، تفاوت معناداری در میزان خلاقیت دختران و پسران دیده شده می‌شود، به طوری که دختران نمره خلاقیت بالاتری از پسران به دست آورده‌اند.

سؤال ۴- آیا بین ابعاد کمال‌گرایی دانش‌آموزان مورد مطالعه بر حسب جنسیت تفاوت وجود دارد؟

به منظور پاسخ دادن به این سؤال، از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره استفاده شده، که در جدول شماره ۴ گزارش شده است.

جدول ۴: آزمون تحلیل واریانس چند متغیره برای ابعاد کمال‌گرایی بر حسب جنسیت

Sig	F	درجه آزادی خطا	درجه آزادی فرضیه	ارزش	شاخص آماری آزمون	جنسیت
۰/۰۰۰۱	۳۷/۵۵۶	۱۹۸	۲	۰/۲۷۵	اثر پیلایی	
۰/۰۰۰۱	۳۷/۵۵۶	۱۹۸	۲	۰/۷۲۵	لانداى ويلکز	
۰/۰۰۰۱	۳۷/۵۵۶	۱۹۸	۲	۰/۳۷۹	اثر هتلینگ	
۰/۰۰۰۱	۳۷/۵۵۶	۱۹۸	۲	۰/۳۷۹	بزرگترین ریشه روی	

همان‌گونه که در جدول ۴ ملاحظه می‌شود، بین دختران و پسران از نظر ابعاد کمال‌گرایی تفاوت معناداری وجود دارد. برای بررسی این که این تفاوت‌ها در کدام بعد از ابعاد کمال‌گرایی است، در جدول ۵ نتایج تحلیل واریانس تک‌متغیره (یک راهه) به عنوان آزمون پیگیری چند متغیره دو راهه گزارش شده است.

جدول ۵: آزمون تحلیل واریانس تک متغیره برای ابعاد کمال‌گرایی بر حسب جنسیت

sig	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	شاخص آماری آزمون	جنسیت
۰/۰۰۱	۶۷/۰۹۶	۴۳۹۹/۹۶۰	۱	۴۳۹۹/۹۶۰	کمال‌گرایی مثبت	
۰/۰۰۱	۶۵/۰۴۵	۴۳۸۷/۵۸۹	۱	۴۳۸۷/۵۸۹	کمال‌گرایی منفی	

جدول ۵ نشان می‌دهد که نمرات دختران و پسران در ابعاد کمال‌گرایی، تفاوت معناداری با هم دارند، بدین صورت که نمرات پسران در بُعد کمال‌گرایی مثبت، و دختران در بُعد کمال‌گرایی منفی بالاتر بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر با هدف بررسی رابطه ابعاد کمال‌گرایی با خلاقیت در دانش‌آموزان پایه سوم دبیرستان شاغل به تحصیل در مدارس استعدادهای درخشان شهر شیراز انجام گرفته است. نتایج پژوهش حاضر به ترتیب سؤالات به شرح زیر است:

سؤال ۱- آیا بین ابعاد کمال‌گرایی و خلاقیت در دانش‌آموزان مورد مطالعه رابطه وجود دارد؟ به‌منظور پاسخ به این سؤال از ماتریس همبستگی به همراه آمار توصیفی استفاده شده که نتایج نشان می‌دهند بین کمال‌گرایی با خلاقیت رابطه معناداری وجود دارد، به این صورت که خلاقیت با کمال‌گرایی منفی به صورت منفی و با کمال‌گرایی مثبت به صورت مثبت در سطح $p < 0/01$ معنادار است. هم‌چنین نتایج جدول مذکور نشان می‌دهد که کمال‌گرایی منفی با کمال‌گرایی مثبت به صورت منفی در سطح $0/01 < p$ معنادار است.

سؤال ۲- کدام یک از ابعاد کمال‌گرایی سهمی در پیش‌بینی خلاقیت دانش‌آموزان مورد مطالعه دارد؟

به‌منظور پاسخ به این سؤال، از رگرسیون چندگانه (به شیوه هم‌زمان) استفاده شده که نتایج تحلیل رگرسیون سهم مثبت و معنادار کمال‌گرایی با خلاقیت را نشان داد، بدین صورت که کمال‌گرایی منفی، سهم معنادار منفی‌ای در پیش‌بینی خلاقیت، و کمال‌گرایی مثبت، سهم معنادار مثبتی در پیش‌بینی خلاقیت در کل گروه مورد پژوهش داشته است. در مجموع بیست درصد از واریانس خلاقیت توسط ابعاد کمال‌گرایی در کل گروه مورد پژوهش تبیین می‌شود. نتیجه به‌دست آمده حاکی از این است که ابعاد کمال‌گرایی می‌تواند خلاقیت را پیش‌بینی کند.

نظر به این‌که تاکنون تحقیقی در زمینه رابطه ابعاد کمال‌گرایی و خلاقیت صورت نگرفته است، به تبیین این رابطه پرداخته می‌شود. براساس مبنای نظری، رابطه کمال‌گرایی مثبت و منفی و خلاقیت را می‌توان به این صورت تبیین کرد که افراد دارای کمال‌گرایی مثبت، معیارهایی را برای خود در نظر می‌گیرند، اما به جای این‌که رسیدن و یا نرسیدن به آن معیارها برایشان مهم باشد، نفس تلاش کردن برای رسیدن به هدف در نظرشان اهمیت دارد. آنها از تلاش و رقابت برای برتری و کمال لذت می‌برند و در

عین حال محدودیت‌های شخصی را به رسمیت می‌شناسند و می‌کوشند ملاک‌های بالا اما انطباق‌پذیر و معقولانه‌ای را انتخاب کنند. به بیان دیگر، افراد با کمال‌گرایی مثبت، با خود رقیبند نه با دیگران، در حالی که افراد با کمال‌گرایی منفی بیشتر در فکر آنند که مبادا اشتباهی از آن‌ها سر بزند؛ آن‌ها هیچ‌وقت احساس پیروزی نمی‌کنند؛ آن‌ها حتی اگر از دیگران بهتر کار کنند، باز هم احساس رضایت نمی‌کنند و مدام خود را سرزنش می‌کنند و به دلیل انتظارهای غیرواقع‌بینانه هرگز از عملکرد خود خشنود نخواهند شد. این کمال‌گرایان سطوح بالایی از اضطراب و ترس از شکست دارند و دچار انواع افسردگی و روان‌رنجورخویی می‌شوند (هماچک، ۱۹۷۸؛ فلت و هویت، ۲۰۰۲، ۲۰۰۵، ۲۰۰۶؛ تری - شورت و همکاران، ۱۹۹۵؛ هاس و پراپاویس، ۲۰۰۳). شایان ذکر است که نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های رودل (۱۹۸۴) و برولین (۱۹۹۲) همخوانی دارد.

سؤال ۳- آیا بین میزان خلاقیت دانش‌آموزان مورد مطالعه بر حسب جنسیت تفاوت وجود دارد؟

نتایج آزمون تی نشان داد که تفاوت معناداری در میزان خلاقیت دختران و پسران وجود دارد، بدین صورت که دختران، نمره خلاقیت بالاتری از پسران به‌دست آوردند. در تبیین این یافته بایستی گفت، مروری بر پژوهش‌های انجام شده درباره خلاقیت و تفاوت‌های جنسیتی در خلاقیت حاکی از آن است که میان پژوهشگران در این خصوص اتفاق نظر وجود ندارد؛ در این مورد، تحقیقات متعددی انجام گرفته که همگی دارای نتایج متفاوتی‌اند به نحوی که برخی از آن‌ها مؤید وجود تفاوت جنسیتی در خلاقیت هستند. برای نمونه می‌توان به پژوهش‌های آمابیل (۱۹۸۲)، کیم و میکائیل (۱۹۹۵)، خلیفا و همکاران (۱۹۹۶) و حقیقت (۱۳۸۲) اشاره کرد که گزارش کرده‌اند دختران نسبت به پسران خلاق‌ترند. از این رو، نتایج پژوهش حاضر با یافته پژوهش‌های ذکر شده همسوست. در مقابل، گونن (۱۹۹۳)، قاسمی و شهرآرای (۱۳۷۷) و حقیقت (۱۳۷۷) نشان دادند که تفاوت معناداری بین دختران و پسران از نظر خلاقیت وجود ندارد.

سؤال ۴- آیا بین ابعاد کمال‌گرایی دانش‌آموزان مورد مطالعه بر حسب جنسیت تفاوت وجود دارد؟

به‌منظور پاسخ به این سؤال از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره استفاده شده که نتایج نشان دادند نمرات دختران و پسران در ابعاد کمال‌گرایی تفاوت معناداری با هم دارند، بدین صورت که نمرات پسران در بُعد کمال‌گرایی مثبت، و دختران در بُعد کمال‌گرایی منفی بالاتر بوده است که این یافته با نتیجه پژوهش‌های بشارت (۲۰۰۳، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳) و فروست و همکاران (۱۹۹۰) همسوست. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت که دختران در مقایسه با پسران از حالت‌ها و اختلال‌های اضطرابی بیشتری رنج می‌برند و کمال‌گرایی منفی با حالاتی همچون اضطراب، سرخوردگی، نگرانی و افسردگی همراه است، بنابراین مطابق نظریه‌ها و تحقیقات بسیاری که تاکنون انجام گرفته، دختران در مقایسه با پسران از حالت‌ها و اختلال‌های اضطرابی بیشتری رنج می‌برند و به این دلیل آن‌ها در روند تحصیل و زندگی دارای کمال‌گرایی منفی، و پسران دارای کمال‌گرایی مثبتی هستند.

محدودیت‌ها و پیشنهادات

از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر این بود که فقط به بررسی ابعاد کمال‌گرایی با خلاقیت در دانش‌آموزان شاغل به تحصیل در مدارس استعداد‌های درخشان پایه سوم دبیرستان پرداخته و دیگر پایه‌های تحصیلی در دوره‌های راهنمایی و دبیرستانی را مورد بررسی قرار نداده است. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، این رابطه، در دوره‌های تحصیلی مختلف هم‌چنین در سایر گروه‌های دانش‌آموزان استثنایی و عادی مورد بررسی قرار گیرد.

دومین محدودیت پژوهش حاضر این بود که در آن تنها کمال‌گرایی خود دانش‌آموزان، مورد بررسی قرار گرفت و به بررسی کمال‌گرایی والدین که بر کمال‌گرایی فرزندان‌شان تاثیر مهمی دارد، پرداخته نشد. پیشنهاد می‌شود پژوهشگران آینده، کمال‌گرایی والدین (اسنل و اوربی^۱، ۲۰۰۵) را نیز مورد بررسی قرار دهند.

محدودیت سوم پژوهش حاضر آن بود که روش تحقیق از نوع همبستگی بود، و به همین دلیل نمی‌توان از نتایج استنباط علی آن نمود. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های

1- Snell & Overbuy

آتی، تحقیق در قالب یک طرح تجربی یا مداخله‌ای تکرار گردد. پیشنهاد می‌شود محققان بعدی برای سنجش کمال‌گرایی و خلاقیت از مقیاس‌های دیگر نیز استفاده کنند.

با توجه به شیوع اختلال‌های اضطرابی و افکار کمال‌گرایی منفی در بین دانش‌آموزان، به‌ویژه دانش‌آموزان با استعدادهای درخشان، لزوم توجه مسئولان و دست‌اندرکاران نظام آموزشی به این‌گونه مسائل برای اصلاح رفتار دانش‌آموزان و سوق دادن آن‌ها به سمت کمال‌گرایی مثبت، برای کاهش اختلال‌های اضطرابی و افسردگی ضروری می‌نماید، زیرا وجود کمال‌گرایی منفی باعث ایجاد رفتارهای اختلال‌آمیز و اضطراب‌گونه در بین دانش‌آموزان می‌شود و داشتن این ویژگی‌ها منجر به افت تحصیلی در دانش‌آموزان با استعدادهای درخشان و در نهایت کاهش خلاقیت و نوآوری آنان می‌گردد. توجه بیشتر به نتایج پژوهش حاضر و برخورد جدی و کارشناسانه از نظر ایجاد احساس خودارزشمندی، آزاداندیشی و استقلال‌جویی در دانش‌آموزان می‌تواند گامی در جهت حل معضلات آموزشی یادگیرندگان، به‌ویژه دانش‌آموزان استعدادهای درخشان و اعتلای نظام آموزشی کشور در سطوح گوناگون تحصیلی قلمداد شود.

منابع

الف) فارسی:

- آمابیل، ترزا. ام. (۱۹۸۹). شکوفایی خلاقیت کودکان. ترجمه حسن قاسم‌زاده و پروین عظیمی (۱۳۷۷). تهران: انتشارات نوبهار.
- افروز، غلامعلی (۱۳۸۶). چکیده‌ای از روان‌شناسی تربیتی کاربردی (چاپ نهم). تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
- بشارت، محمد علی (۱۳۸۲). قابلیت اعتماد (پایایی) و اعتبار (روایی) مقیاس کمال‌گرایی مثبت و منفی. *مجله علوم روان‌شناختی*، ۸، ۳۵۹-۳۴۶.
- بشارت، محمدعلی (۱۳۸۳). کمال‌گرایی و موفقیت تحصیلی. *مجله علوم روان‌شناختی*، ۱۲، ۳۳۵-۳۲۳.
- حقیقت، شهربانو (۱۳۷۷). بررسی ویژگی‌های شخصیتی دانش‌آموزان خلاق و تعیین رابطه میان خلاقیت با پیشرفت تحصیلی، هوش، طبقه اجتماعی و جنسیت در گروهی از دانش‌آموزان سال سوم راهنمایی در شهر شیراز. شورای تحقیقات آموزشی استان فارس.
- حقیقت، شهربانو (۱۳۸۲). بررسی عوامل خانوادگی (نگرش‌ها و شیوه‌های فرزندپروری، ارزش‌های والدین، طبقه اجتماعی) و آموزشی (جو سازمانی مدرسه) مؤثر در خلاقیت در گروهی از دانش‌آموزان سال چهارم و پنجم ابتدائی در کانون پژوهشی منطقه چهار استانهای اصفهان، بوشهر، چهارمحال بختیاری، فارس و کهگیلویه و بویر احمد. شورای تحقیقات آموزشی استان فارس.
- ساداتی، سمیه سادات (۱۳۸۷). رابطه ابعاد جهت‌گیری هدفی و کمال‌گرایی با خلاقیت در دانش‌آموزان دبیرستانی شاغل به تحصیل در مدارس استعداد‌های درخشان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران.
- عابدی، جمال. (۱۳۷۲). خلاقیت و شیوه‌ای نو در اندازه‌گیری آن. *پژوهش‌های روان‌شناختی*، ۱، ۵۴-۴۶.
- قاسمی، نوشاد و شهرآرای، مهرناز (۱۳۷۷). رابطه بین تکلم و خلاقیت کودکان پیش‌دبستانی، *پژوهش‌های روان‌شناختی*، ۵، ۴۰-۵۳.
- میرزا کسفیدی، رضا (۱۳۸۴). بررسی ابعاد کمال‌گرایی و صفات شخصیتی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران.

نوردبی، ورنون و هال، کالوین (۱۹۷۴). راهنمای زندگی نامه و نظریه‌های روان‌شناسان بزرگ. ترجمه احمد به‌پژوه و رمضان دولتی (۱۳۸۶). تهران: انتشارات منادی تربیت.

(ب) لاتین:

- Abedi, J. (2002). **A Latent-Variable Modeling Approach to Assessing Reliability and Validity of a Creativity Instrument**. *Creativity Research Journal*, Vol. 14, 2, 267-276.
- Amabile, T.M. (1982). **Children's Artistic Creativity: Detrimental Effects of Competition in a Field Setting**. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 8(3), 573-578.
- Besharat, M.A. (2003). Parental perfectionism and children's test anxiety. **Psychological Reports**. 93, 1049-1055.
- Brolin, C. (1992). **Kreativitet och kritiskt tandande**. Redskap for Framtidsberedskap. *Creativity and Critical Thinking: Tools for Preparedness for the Future, In Krut*. 53, 64-71.
- Coopersmith, S. (1967). **The Assessment of Self-Esteem**. Sanfrancisco: Freeman.
- Costa, P.T. & R.R. McCrae (1992). **Revised NEO Personality Inventory (NEO-P.I-R) and NEO Five-Factor Inventory Professional Manual**. Odessa, FI: Psychological Assessment Resources.
- Cropley, A.J. (1967). **Divergent Thinking and Science Specialists**. *Nature*, 215, 671-672.
- Eysenck, M.W. (2000). **Cognitive Psychology: A Student's Handbook**. London: Psychology Press Ltd.
- Flett, G.L. & Hewitt, P.L. (2002). **Perfectionism and Maladjustment: An Overview of Theoretical, Definitional and Treatment Issues**. In P.L. Hewitt, & G.L. Flett (Eds.), *Perfectionism: Theory, Research, and Treatment* (p. 5-31). Washington, DC: American Psychological Association.
- Flett, G.L. & P.L. Hewitt (2005). **The Perils of Perfectionism in Sports and Exercise**. *Current Directions in Psychological Science*, Vol. 14, 1, 14-18.

- Flett, G.L. & P.L. Hewitt (2006). **Positive versus Negative Perfectionism in Psychopathology: A Comment on Slade and Owens's Dual Process Model.** Behavior Modification, 30, 4, 472-495.
- Frost, R.O., P.A. Marten, C. Lahart & R. Rosenblate (1990). **The Dimensions of Perfectionism.** Cognitive Therapy and Research, 14, 449-468.
- Goldberg, D.P. (1972). **The Detection of Psychiatric Illness by Questionnaire.** Maudsley Monograph, 21. Oxford University Press.
- Gonen, M. (1993). **Creative Thinking in Five-and Six-years-old Kindergarten Children.** International Journal of Early Years Education, Vol. 1, 3, 81-87.
- Guilford, J.P. (1975). **Varieties of Creativity and Giftedness.** New York: McGraw-Hill.
- Haase, A.M. & H. Prapavessis (2003). **Assessing the Factor Structure and Composition of the Positive and Negative Perfectionism Scale in Sport.** Personality and Individual Differences, Vol. 36, 1725 - 1740.
- Hamachek, D.E. (1978). **Psychodynamics of Normal and Neurotic Perfectionism.** Psychology, 15, 27-33.
- Harre, R. & Lamb, R. (1986). **The Dictionary of Developmental and Educational Psychology.** Oxford: Basil Blackwell Ltd.
- Hollender, M.H. (1978). **Perfectionism: A Neglected Personality Trait.** Journal of Clinical Psychiatry, 39, 384-392.
- Horney, K. (1950). **Neurosis and Human Growth.** New York: Norton.
- Khaleefa, O., G. Erdos & I. Ashria (1996). **Gender and Creativity in an Afro-Arab Islamic Culture.** The case of Sudan. Journal of Creative Behavior, 30, 1, 52-60.
- Kim, J. & Michael, W.B. (1995). **The Relationship of Creativity Measures to School Achievement and to Preferred Learning and Thinking Style in a Sample of Korean High School Students.** Educational and Psychological Measurement, Vol. 55, 1, 60-74.
- Roedell, W.C. (1984). **Vulnerabilities of Highly-Gifted Children.** Roeper Review, Vol. 6(3), 127-130.

- Snell, W., Overbuy & A.L. Brewer (2005). **Parenting Perfectionism and the Parenting Role**. Personality and Individual Differences, Vol. 39, 613-624.
- Stampf, H. & W.D. Parker (2000). **A Hierarchical Structural Analysis of Perfectionism and its Relation to Other Personality Characteristics**. Personality and Individual Differences, 28, 837-852.
- Terr-Short, L.A., R.G. Owens, P.D. Slade & M.E. Dewey (1995). **Positive and negative perfectionism**. Personality and Individual Differences, Vol. 18, 663-668.
- Torrance, E. & K. Goff (1989). **A Quite Revelation**. Journal of Creative Behavior, Vol. 23, 136-145.
- Torrance, E.P. (1989). **Can we teach children to think creativity?** Journal of Creative Behavior, Vol. 6, 114-143.
- Weisberg, R. (1992). **Creativity Beyond the Myth of Genius**. New York: Freeman Company.

